

**بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی
(مطالعه تطبیقی دهستان مرکزی شهرستان سلسله و شهر الشتر)**

دکتر حسین میرزایی
اسماعیل حسونند^۱

۹۱/۶/۲۳

۹۱/۹/۸

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

احساس امنیت اجتماعی از جمله مقولات مهم در هر جامعه ای به شمار می رود و مقدمه ای لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است. احساس امنیت، پدیده ای روان شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می باشد. تحقیق حاضر به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در دهستان مرکزی و شهر الشتر می پردازد. این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن را کلیه افراد بالای ۱۸ سال سن تشکیل می دهند. برای تعیین حجم نمونه آماری تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده و بر این اساس با ۳۸۲ نفر که با توجه به نمونه گیری تصادفی انتخاب شده بودند، مصاحبه صورت گرفت. یافته های تحقیق نشان می دهد که متغیر احساس امنیت اجتماعی در سطح شهرستان با ۳ متغیر همبستگی اجتماعی، مشارکت عینی و مشارکت ذهنی دارای رابطه معناداری است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که احساس امنیت در سطح روستا با متغیر همبستگی اجتماعی و در سطح شهر متغیر اعتماد نهادی و مشارکت عینی دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی می باشد.

واژه های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی،

مشارکت اجتماعی

مقدمه و بیان مساله

امنیت واژه‌ای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهمترین مسائل بین دولتها دربرگیرنده مفهوم امنیت است. از آن هنگام که انسان برای بقا و تامین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت تا اکنون که به دنبال عصر صنعتی شدن، سرعت و تکنولوژی رویای برتری بر همنوعان و جهان پیرامون خود را از طریق وسایل پیشرفته نظامی و اتمی در سر می پروراند، امنیت چه در بعد روانی آن و چه در بعد فیزیکی همواره یکی از دغدغه های همیشگی او بوده است. حوادث پس از جنگ سرد، فروپاشی کمونیسم و جنگ جهانی دوم و غالب شدن ادبیات و رویکرد آمریکایی در حوزه علوم سیاسی و استراتژیک جهان، مفهوم امنیت ملی (National Security) را در ادبیات سیاسی اکثر کشورهای جهان وارد کرد. متناسب با پیچیده تر شدن روابط اجتماعی در عصر مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت های ساده اولیه که جنبه فیزیکی و محسوس داشت، عوامل پنهان و غیر فیزیکی امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روز به روز اهمیت بیشتری پیدا کرد. به همین دلیل مقوله امنیت اجتماعی که مهمترین مولفه تشکیل دهنده امنیت ملی است در سال های اخیر در سطح ملی و بین المللی مورد توجه جدی قرار گرفته است. به اعتقاد بوزان اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می دهد ولی اصولاً سه نوع هستند: تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ) تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه). غالباً این تهدیدات با هم همبستگی دارند یعنی وقوع یکی از آنها، ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴). بوزان معتقد است که امنیت دارای ۲ بعد است، بعد عینی (حفاظت در برابر خطر) و امنیت ذهنی (احساس ایمنی) (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۳). به واسطه تغییراتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم گردید مشخص شد که بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت غیرقابل انکاری پیدا کرده است چرا که این احساس ناشی از تجربه های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی

است و فقط به شاخص های امنیت قابل تفکیک نیست (دلاور، ۱۳۸۰: ۵). عدم توجه به مقوله احساس امنیت اجتماعی خسارات زیادی را به بار خواهد آورد. احساس ناامنی در جامعه، موجب کاهش سطح بهداشت روانی شده و تحقق این ناامنی، سلب اعتماد اجتماعی را پدید می آورد. در چنین شرایطی، جامعه دچار گسست هایی در شبکه روابط اجتماعی می شود. در واقع احساس ناامنی باعث به وجود آمدن تنش، اضطراب، بی قراری و حتی بیماری های روانی خواهد شد. فقدان احساس ناامنی در جامعه باعث می شود که افراد از حوزه عمومی کناره گیری کرده و زندگی و فعالیت های خود را در ترس و انزوا ادامه دهند. بدون شک در چنین شرایطی امکان تحقق آرمان ها و اهداف و تحولات مثبت جامعه محقق نگردیده و رشد و اعتلای آن از حد یک برنامه ریزی فراتر نخواهد رفت. اما تحقق امنیت ذهنی که در واقع بعد روانی امنیت را نظاره گر است می تواند بستر پیشرفت و توسعه جامعه باشد و آن را به سمت جامعه ای بهتر سوق دهد. با وجود احساس ناامنی، فرد از زندگی خود در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس آرامش خواهد داشت. وجود احساس ناامنی در جامعه منجر به تربیت شخصیت های سالم اجتماعی می شود. شخصیت هایی که در آن روح جمع گرایی تقویت شده است. یکی از عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی عبارت است از تمام ویژگی های اجتماعی نهادها و سازمان ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۶۷؛ پاتنام، ۱۹۹۹: ۶). «سرمایه اجتماعی آن نوع شبکه ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با نهادها، سازمان ها و گروه های اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه ها از حمایت و انرژی لازم برای تسهیل کنش در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی باشد» (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۱۲). در این تحقیق به دنبال بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در سطح روستا و شهر (در شهرستان سلسله) هستیم.

چارچوب نظری تحقیق

مفهوم سرمایه اجتماعی که به خصوصیات و تعاملات گروه ها و سازمان های اجتماعی مانند شبکه ها، هنجارها و اعتماد باز می گردد، در سال های اخیر مقبولیت چشمگیری را در

بین جامعه شناسان و اقتصاددانان پیدا کرده است. در این باب تعاریف و نظریات گوناگونی درباره سرمایه اجتماعی ذکر شده است.

اینکلهارت (۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را این گونه بیان می کند: سرمایه اجتماعی، فرهنگ اعتماد و مداراست که در آن شبکه های گسترده و سازمان های داوطلبانه به وجود می آید. شبکه ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند و نه این که اعتماد، محصول جانبی انجمنی شدن مردم با یکدیگر باشند. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به ویژگی های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب منافع متقابل را تسهیل می کند. وی بر آن است که اعتماد اجتماعی جزء اساسی سرمایه اجتماعی است (۱۳۸۰). «سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد- یعنی شبکه های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی همکاری متقابل و اعتماد که از این شبکه ها برمی خیزد مربوط است که همکاری و هماهنگی را برای منافع اجتماعی تسهیل می کند. در این معنا سرمایه ی اجتماعی با آنچه فضیلت مدنی می نامند مرتبط است (پاتنام، ۲۰۰۰). همکاری های داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه های مشارکت مدنی به ارث برده است بهتر صورت می گیرد» (قانعی راد و حسینی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). از دیدگاه پاتنام «سرمایه اجتماعی» جنبه هایی از زندگی اجتماعی- شبکه ها، هنجارها و اعتماد- است که مشارکت کنندگان را قادر می کند تا در کنار یکدیگر به طور مؤثر اهداف مشترک را پیشگیری کنند و ... اشاره دارد به پیوندهای اجتماعی و هنجارها و اعتماد ملازم با این پیوندها» (پاتنام، ۱۹۹۵ به نقل از آلدریج و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۰)، پاتنام نیز مانند کلمن سرمایه اجتماعی را یک کالای عمومی می داند برخلاف سرمایه در معنای متعارف آن که معمولاً یک کالای خصوصی است. سرمایه اجتماعی یکی از ویژگی های ساختار اجتماعی است که در انحصار کسی نیست (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱) این سرمایه کمک دهنده رفتار جمعی است، یعنی هزینه ها را برای نقض کننده ها افزایش، معیارهای خوب دو طرفه را تقویت و جریان گردش اطلاعات شامل اطلاعات مربوط به خوشنامی فعالان را تسریع، موفقیت های گذشته فعالیت های جمعی را نمایان و همانند چارچوبی برای همکاری های پیش تر آینده عمل می کند (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۷۳). سرمایه اجتماعی دلالت بر صورت هایی از سازمان اجتماعی چون اعتماد، قواعد و شبکه ها دارد که می توانند کارایی جامعه را از طریق کنش های متناسب تسهیل کنند

(همان: ۱۶۷). پاتنام در چگونگی فرایند تبدیل اعتماد فردی به اعتماد اجتماعی معتقد است که اعتماد اجتماعی (عمومی) در جوامع مدرن پیچیده از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مدنی ناشی می شود. وی در بحث تقدم و تأخر سه عامل مذکور که منابع سرمایه اجتماعی را می سازد معتقد است: «اعتماد اجتماعی به هنجارهای معامله متقابل، شبکه های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می کنند» (همان: ۳۰۹). او همچنین برای سرمایه اجتماعی سه مؤلفه را در نظر می گیرد:

الف) شبکه های مشارکت^۱

ب) هنجارهای معامله متقابل

ج) هنجارهای همیاری

فوکویاما از سرمایه اجتماعی بعنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیررسمی تعریف می کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. از دید وی هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد. فوکویاما کارکرد سرمایه اجتماعی را کاهش هزینه مبادلات غیررسمی و افزایش و تسهیل سازگاری های گروهی می داند و جامعه مدنی را در مقیاس وسیعی سرمایه اجتماعی می داند (کمالی، ۱۳۸۲: ۶۳). از دیدگاه فوکویاما سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می شود (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۰). فوکویاما (۱۹۹۵) معتقد است که تفاوت کشورها به لحاظ ساختار صنعتی شان بیش از آن که به سطح توسعه آنها ربط داشته باشد، به میزان سرمایه اجتماعی شان - یعنی میزان اعتمادورزی افراد یک جامعه به یکدیگر و نیز مشارکت آنها در تشکیل گروه ها و انجمن های شهروندی - بستگی دارد. به تعبیر فوکویاما، سطح بالاتر اعتماد در یک جامعه موجب بهبود عملکرد نهادها و اقتصادی کاراتر می شود.

از نظر پکستن سرمایه اجتماعی دسته ای از روابط اجتماعی است که می تواند تولید کالاها و مادی و غیرمادی را تسهیل کند. به نظر وی سرمایه اجتماعی دارای دو بعدی اصلی می باشد:

۱- روابط عینی میان افراد از یک طرف

۲- پیوندهای ذهنی میان همان افراد از طرف دیگر (مبارکی، ۱۳۸۴: ۹-۳۸)

با بررسی رابطه متقابل بین سرمایه اجتماعی ارائه داده است و کار خود را با مطالعه پیشین در این زمینه شروع می‌کند. در ابتدا به کار پاتنام در مورد انجمن‌ها موجود در جامعه اشاره می‌کند که تنها تحقیق تجربی که برای سنجش روابط اجتماعی صورت گرفته، تحقیق پاتنام در ایتالیا پیرامون سرمایه اجتماعی می‌باشد. و انتقاداتی به مطالعه پاتنام وارد می‌سازد. و مطرح می‌کند که پاتنام عملکردهای دولت را بیشتر از دموکراسی مورد بررسی قرار داده است. همچنین این که تحقیق و بررسی او محدود به ایتالیا می‌باشد و از جانب دیگر انجمن‌های متفاوت لزوماً تأثیرات برابری بر روی دموکراسی ندارند. چرا که برخی از انجمن‌ها ممکن است باعث تشدید دموکراسی در جامعه گردند در صورتی که انواع دیگر ممکن است به عنوان موانعی برای دموکراسی باشند (مبارکی، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۷؛ پکستن، ۲۰۰۲: ۲۵۶) بطور کلی می‌توان گفت که از نظر پکستن سرمایه اجتماعی دارای دو جزء: اعتماد^۱ و پیوند^۲ است. از نظر بوردیو، سرمایه سه شکل بنیادی دارد: «سرمایه اقتصادی» که قابلیت تبدیل شدن به پول را دارد و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت نهادینه شود. «سرمایه فرهنگی» که به شکل کیفیات آموزشی نهادینه می‌شود و «سرمایه اجتماعی» که از الزامات اجتماعی (پیوندها) ساخته شده است (بوردیو، ۱۹۸۵: ۲۴۳). سرمایه اجتماعی عبارت است از «مجموع منابع بالفعل و بالقوه که به داشتن شبکه پایداری از روابط متقابل کم و بیش نهادینه شد ناشی از آشنایی. مورد پذیرش قرار گرفتن و شناخته شده بودن متصل و مربوط است» (بوردیو، ۱۳۸۶: ۲۴۸) یا «سرمایه اجتماعی از تعهدات و وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی (پیوندها و روابط اجتماعی) تشکیل می‌شود که تحت شرایطی خاص قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی می‌باشد و ممکن است در قالب عنوان، منزلت، نسب و حسب اجتماعی (مانند نجیب‌زاده بودن و اشراف بودن) نهادینه گردد» (همان: ۲۴۳) وی در تعریف دیگر چنین می‌گوید «سرمایه اجتماعی» مجموع منابع بالفعل و بالقوه‌ای که نصیب فرد یا گروه آن هم به علت داشتن شبکه‌ای پایدار از روابط اجتماعی کم و بیش نهادینه شده می‌گردد و نشأت گرفته از آشنایی دو سویه، معروف بودن و پذیرفته شدن است» (بوردیو و اکوانت، ۱۹۹۲: ۱۹) در واقع آن گونه که وینتر می‌گوید، منظور بوردیو از سرمایه اجتماعی عبارت است از روابط بین شخصی و اجتماعی ثب و در عین حال مبتنی بر اعتماد (winter, ۲۰۰۰).

از نظر کلمن سرمایه اجتماعی نمایان‌گر منبعی است از انتظارات دو طرفه و بنابراین با

1- Trust

2- Association

شبکه‌های گسترده ارتباطات، اعتماد و ارزش‌های مشترک، بالاتر از افراد قرار می‌گیرد (فیلد، ۱۳۸۵: ۳۲) وی سرمایه اجتماعی را با توجه به کارکرد آن تعریف می‌کند «سرمایه اجتماعی یک موجودیت تنها نیست، بلکه مجموعه مختلفی از موجودیت‌هاست که دو مشخصه مشترک دارند: در همه آن‌ها جنبه‌ای از ساختار اجتماعی وجود دارد و همه آن‌ها تشریح‌کننده اعمال خاص افرادی هستند که در داخل ساختار فعالند (فیلد، ۱۳۸۵: ۴۰؛ تاجبخش، ۱۳۸۵: ۵۰؛ کلمن، ۱۳۸۵: ۴۹) او معتقد است که سرمایه اجتماعی به صورت ذاتی در درون روابط بین کنشگران وجود دارد و قادر است در هر سطح از تراکم جمعیتی ایجاد شود. (پارسل، ۱۹۹۳: ۱۲۶). او اعتماد، اختیار و تعهد را لازمه سرمایه اجتماعی یک گروه می‌داند. به نظر کلمن سرمایه اجتماعی ترکیبی از ساختارهای اجتماعی است که تسهیل‌کننده کنش‌های معینی از کنشگران در درون این ساختارهاست (غفاری، ۱۳۸۴: ۷۱). چنان که مشخص است، سرمایه اجتماعی دارای مولفه‌هایی است که مهمترین آن‌ها عبارتند از: اعتماد، مشارکت، هنجار، همبستگی اجتماعی، روابط و پیوندهای اجتماعی.

کلمن اعتقاد دارد که تصمیم مبتنی بر اعتماد با نمونه‌ای که نظریه پردازان تصمیم‌گیری، تصمیم در وضعیت خطر یا ریسک می‌نامند، مطابقت می‌کند. ریسک و اعتماد از عوامل اصلی تصمیم‌گیری در شرایط نامطمئن هستند و از عناصر جدایی‌ناپذیر آن به شمار می‌روند، ریسک و اعتماد دو وجه از تصمیم‌گیری هستند که ما از طریق آنها رخدادهای اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و برای عمل دست به انتخاب می‌زنیم (یوسانگ و پرستی، ۲۰۰۴؛ به نقل از امیر کافی (قرار گرفتن در وضعیت اعتماد یعنی شرط بندی درباره اعمال غیرمعین و غیرقابل مهار آتی دیگران که اغلب توأم با ریسک و مخاطره است. به دلیل اینکه ممکن است، کنش‌های پیش‌بینی نشده دیگران برای ما خطرهایی به همراه داشته باشد یا محول کردن برخی کارها به افراد دیگر ممکن است مفید واقع شود یا از آن سوء استفاده شود، برای همین است که ما می‌گوییم موقعیت‌هایی که اعتماد را در بر می‌گیرند، با ریسک همراه‌اند. موقعیت‌هایی که در آنها ریسک بستگی به نحوه عمل کردن دیگران دارد، اعتماد کردن به معنی به تأخیر انداختن، نادیده گرفتن، در پرائنز قراردادادن ریسک و عمل کردن به نحوی است که گویی خطری وجود ندارد (زومکا، ۱۳۸۴: ۳۶). لوهمان معتقد است که اعتماد را باید در رابطه نزدیک با مخاطره در نظر گرفت. از دیدگاه لوهمان اعتماد راه حلی برای مسائل مربوط به ریسک و مخاطره است و افراد باید اعتماد را به عنوان ابزار مقاومت

در برابر پیچیدگی به کار بندند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۴۶). از نظر گیدنز، اعتماد در روند احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی مهم است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۸۱). وی سه نوع اعتماد را تشخیص می دهد:

۱- اعتماد بنیادین،

۲- اعتماد بین شخصی،

۳- اعتماد تعمیم یافته و اعتماد به نظام های تخصصی (گیدنز ۱۳۷۷: ۱۲۶).

وی با بر شمردن منابع ناامنی و اعتماد در دنیای مدرن و سنتی تاکید می کند که در دنیای سنتی افراد نسبت به آنچه اتفاق می افتد و حتی نسبت به آینده یک استدلال ماورایی را جستجو کرده و آن را سرنوشت مقدر خود می دانستند و به نوعی خود را در شکل گیری آن دخیل نمی دانستند، بنابراین نسبت به آن احساس نگرانی نمی کنند. اما در دنیای مدرن، با ورود به نظام های مجدد به عنوان بازتولید آن مفاهیم در دنیای مدرن، زندگی انسان آن چنان تحت تاثیر این نظام هاست که همواره احساس نگرانی نسبت به امنیت وجودی یعنی احساس ناامنی در زندگی بشر حضور دائمی دارد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

چلبی به منظور بررسی تعاملات اجتماعی درصدد ارائه یک دیدگاه ترکیبی است و در این زمینه متأثر از پارسنز است. وی انواع نظام های مبادله را بر اساس دو سطح مبادله ابزاری و اظهاری (ارتباط اجتماعی) تقسیم می کند. در مبادله متقارن سرد، طرفین مبادله دارای روگیری ویژه گرا و خنثی هستند و نوعی مبادله قراردادی محسوب می شود. مبادله نامتقارن سرد، از لحاظ اخلاقی، نوعی بده بستان منفی حاکم است و طرفین نسبت به یکدیگر احساس منفی دارند، لذا اغلب مبتنی بر زور و حيله است. در مبادله نامتقارن گرم تعامل انتشاری و عاطفی است و طرفین نسبت به یکدیگر احساس مثبت دارند. مبنای چنین مبادله ای معاشرت و دوستی است. نوع دیگر مبادله از نظر وی، مبادله متقارن گرم است. در این نوع مبادله اولویت به نفع جمعی و وابستگی عاطفی تعمیم یافته است. روابط اجتماعی در آن گرم و طرفین به فکر رفاه و آرامش یکدیگر هستند (بیات، همان: ۵۰). در واقع چلبی وجود روابط گرم، همدلی، ارتباط و تعامل اظهاری را نوعی احساس مثبت در جهت تامین امنیت برشمرده و آن را باعث و منشا امنیت می داند.

مسئله بنیادی اندیشه دورکیم مسئله نظم اجتماعی است. ایزنشتات مهمترین مسئله نظم اجتماعی برای دورکیم را اعتماد و همبستگی اجتماعی می داند. یعنی اینکه بدون انسجام و

اعتماد اجتماعی پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). دور کیم در تحلیل از تقسیم کار دو قاعده را در پیوستگی جوامع و جلوگیری از فروپاشی از بی نظمی درونی اصل قرار داد. این دو نوع جامعه با دو نوع همبستگی ارتباط دارد. یکی همبستگی مکانیکی و دوم، همبستگی ارگانیکی. اولی مبتنی بر شباهت و دومی مبتنی بر تفاوت است. وی به تاثیر همبستگی اجتماعی در نزدیکتر کردن افراد به یکدیگر و تشدید ارتباط میان آنها اشاره دارد. به نظر وی هر جا که همبستگی اجتماعی نیرومند تر باشد، این همبستگی عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به همدیگر خواهد بود و باعث تشدید تماس میان آن ها و بیشتر کردن فرصت های ارتباط شان به یکدیگر خواهد شد (دور کیم، ۱۳۶۹: ۷۶-۷۵). دور کیم اعتقاد داشت که در عصر حاضر رشد فعالیت های اقتصادی، شهرگرایی، تخصص گرایی حرفه ای و رشد دولت بوروکراتیک تماماً کارکردهای خانواده، مذهب، همسایگی را به عنوان مکانیزم هایی در جهت ترفیع پیوند افراد به جمع گرایی تقلیل می دهد. وی وجود ساخت های جدی (گروه های حرفه ای) را که باید در جهت جلوگیری از نابسامانیهای اجتماعی ظهور نماید را ضروری می داند (آرون، ۱۳۶۴: ۳۶۸). دور کیم اعتقاد داشت، گروه های حرفه ای که انبوهی از افراد را در کنار یکدیگر جمع می کند امکان روابط کنش متقابل را فراهم می کند. از نظر دور کیم فرد هم به نوبه خود در وجود این گروه ها سرچشمه ای برای شادی و شادکامی خود می بیند، زیرا هرج و مرج برای خود او هم دردناک است. خود او هم از کشاکش و بی نظمی های ناشی از نبود قانون انتظام دهنده روابط فردی رنج می برد. زیستن به حالت آماده باش جنگی آن هم در بین همراهان و همدان خود به هیچ وجه برای انسان مفید نیست. احساس خصومت عمومی و بی اعتمادی متقابلی که از آن بر می خیزد و فشار روحی حاصل از آن هنگامی مزمن و ریشه ای می شود، صورتی دردناک پیدا می کند (دور کیم، ۱۳۶۹: ۲۱). وی این نوع بی نظمی ها را بی هنجاری می شمارد و این مفهوم را واجد سه خصیصه می داند: تشویش یا اضطراب دردناک، احساس جدایی از معیارها و استانداردهای گروه، احساس بی نشانی یا فقدان هدفی معین (Dean, ۱۹۶۱: ۲۵-۲۶). دور کیم بر این باور است که اگر در جامعه ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی همنا می شوند. ولی اگر در جامعه ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم بسوی رفتار مجرمانه کشیده شوند (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

فرضیه های تحقیق

- بین اعتماد بین فردی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین اعتماد به نهادهای تخصصی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین مشارکت عینی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین مشارکت ذهنی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین انسجام اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه ای و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

روش بکار گرفته شده در این تحقیق از نوع پیمایشی است و در آن از تکنیک پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه افراد بالای ۱۸ سال شهرستان سلسله تشکیل می دهند. در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۳۸۲ نفر تعیین گردید. با توجه به اینکه تعداد افراد روستایی شهرستان تقریباً ۱/۵ تعداد افراد شهری است، لذا تعداد افراد نمونه نیز به همین نسبت مشخص گردید. بر این اساس تعداد افراد روستایی ۲۵۰ نفر و تعداد افراد شهری ۱۵۲ نفر در نظر گرفته شد و با آن ها به مصاحبه ساختمان پرداختیم. شیوه نمونه گیری این پژوهش، از نوع نمونه گیری طبقه ای، تصادفی است. پس از تکمیل پرسشنامه، تمام اطلاعات در رایانه ثبت گردید و با استفاده از نرم افزار SPSS به تحلیل آنها پرداختیم. برای سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی ابزار تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ شاخص ها تقریباً بالای ۰/۷ درصد است که مناسب می باشد.

R	متغیر	تعریف عملیاتی	پایایی
۲	اعتماد بین فردی	رک و راست بودن مردم - روی حرف خود بودن افراد - ضمانت کردن مالی یک دیگر - قرض دادن پول به یکدیگر - یکی بودن ظاهر و باطن افراد - احساس مسئولیت افراد نسبت به هم	۰/۸۲
۳	اعتماد به نهادهای تخصصی	اعتماد داشتن به نهاد هایی همچون پلیس - دستگاه قضایی - و کلا - فروشندگان - معلمان و...	۰/۹۲
	همبستگی اجتماعی	میزان ارتباط با دیگران - کمک به دیگران در هنگام مشکلات - مشارکت در فعالیت های گروهی - داشتن تعهد نسبت به دیگران - گوش کردن به نصایح دیگران - نگه داشتن احترام افراد بزرگتر	۰/۸۲

۰/۷۵	عضویت در انجمن اولیاء و مربیان، تعاونی محلی، انجمن های خیریه، تعاونی، انجمن های فامیلی، انجمن های هنری- اتحادیه های صنفی- اعتقاد به حل مسائل با همکاری و مشورت- داشتن روحیه تعاون- آمادگی شرکت در شورا جهت حل مشکلات- اعتقاد به حل مشکلات از طریق خود مردم	مشارکت اجتماعی (عینی، ذهنی)	۵
	سن- جنس- وضعیت تاهل- سطح تحصیلات و...	متغیرهای زمینه ای	۶
۰/۸۱	تنها ماندن در منزل در شب- تنها ماندن در منزل در روز- عبور از خیابان ها تاریک در شب- دوستی با افراد غریبه	احساس امنیت جانی	۷
۰/۷۶	خالی گذاشتن منزل در شب- خالی گذاشتن منزل در روز- شرکت در فعالیت های اقتصادی- حمل پول زیاد- پارک کردن خودرو در خیابان	احساس امنیت مالی	۸
۰/۷۱	تهدید نوامیس افراد از سوی اقوام- تهدید نوامیس از سوی اهل محل- تهدید نوامیس تهدید نوامیس از سوی غریبه ها در روز- تهدید نوامیس از سوی غریبه ها در شب	احساس امنیت ناموسی	۸

نتایج تحقیق

الف) یافته های توصیفی

• تحلیل تک متغیره

از تعداد ۳۸۲ نفری که مورد بررسی قرار گرفتند، ۲۲۵ نفر مرد و ۱۵۷ نفر زن هستند (علت کم بودن تعداد زنان، تمایل کمتر آن ها به همکاری با محقق بود). کمترین سن پاسخگویان ۱۸ سال و بیشترین ۶۶ سال بوده و میانگین سن افراد نیز برابر با ۲۹/۸۶ است. اکثر افراد مورد بررسی در آمدی بین ۳۰۱ هزار تا ۶۰۰ هزار تومان دارند. تقریباً ۵۳٪ از کل افراد مورد بررسی مجرد و ۴۷٪ باقیمانده متاهل هستند.

جدول ۱: مقایسه نتایج آمار توصیفی تک متغیره در سطح روستا و شهر

ردیف	متغیر	شهر		روستا	
		تعداد پاسخگویان	میانگین	تعداد پاسخگویان	میانگین
۱	احساس امنیت جانی	۱۴۵	۱۶/۱۴	۲۲۲	۱۴/۷۱
۲	احساس امنیت مالی	۱۳۱	۱۴/۹۸	۲۲۵	۱۵/۲۱
۳	احساس امنیت ناموسی	۱۴۵	۱۶/۷۰	۲۲۶	۱۶/۸۰
۴	اعتماد به نهادهای تخصصی	۱۴۰	۲۱/۴۵	۲۲۴	۲۳/۱۸
۵	اعتماد بین فردی	۱۳۹	۲۰/۱۶	۲۱۷	۲۱/۰۳
۶	همبستگی اجتماعی	۱۳۳	۲۱/۴۷	۲۱۷	۲۲/۵۹
۹	مشارکت عینی	۱۳۸	۲۰/۴۷	۲۱۷	۲۲/۵۹
۱۰	مشارکت ذهنی	۱۳۷	۱۱/۴۳	۱۱/۴۳	۱۱/۸۸

نتایج تحقیق نشان داد که در روستا میزان احساس امنیت مالی (۳/۸) یعنی بیشتر از حد متوسط، احساس امنیت جانی (۲/۹۴) یعنی کمتر از حد متوسط و احساس امنیت ناموسی (۳/۳۶) یعنی بیش از حد متوسط می باشد. در مجموع می توان گفت که میزان احساس امنیت اجتماعی در روستا با توجه به این سه بعد برابر با ۳/۱۰ یعنی تقریباً در حد متوسط ارزیابی می شود. نتایج ارزیابی احساس امنیت شهری نیز نشان می دهد که در شهر میزان احساس امنیت مالی (۳/۶) یعنی بیشتر از حد متوسط، احساس امنیت جانی (۲/۲۲) یعنی کمتر از حد متوسط و احساس امنیت ناموسی (۳/۲۶) یعنی بیش از حد متوسط می باشد. در این جدول به توصیف و بررسی تفاوت میانگین های متغیرهای تحقیق دو گروه شهر و روستا نیز پرداخته ایم. یافته ها نشان می دهد که میزان اعتماد نهادی، اعتماد بین فردی، مشارکت ذهنی، مشارکت عینی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت ناموسی در بین روستاییان بیشتر از افراد شهری است و در عوض میزان امنیت جانی در بین افراد شهری بیش از روستا بیان است. از سوی دیگر بررسی معنی دار بودن میانگین های دو گروه نشان داد که تفاوت میانگین های دو گروه شهر و روستا در مورد متغیرهایی همچون مشارکت عینی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت جانی و ناموسی معنادار بوده و این تفاوت در باره متغیرهای اعتماد نهادی و اعتماد بین فردی، مشارکت ذهنی و احساس امنیت مالی معنادار نیست.

• تحلیل دو متغیره

نتایج تحلیل دو متغیره:

دو متغیری که سطح سنجش شان هر دو در سطح فاصله ای باشد، معمولاً ساده ترین آزمون آماری برای نشان دادن رابطه شان، ضریب همبستگی پیرسون است. جدول زیر همبستگی دویه دوی متغیرها را نشان می دهد.

جدول ۲: نتایج تحلیل همبستگی دو متغیره در سطح روستا و شهر

فصلنامه
مطالعات
اجتماعی

۱۴۵

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی

نام متغیر	احساس امنیت اجتماعی	اعتماد به نهاد های تخصصی	اعتماد بین فردی	احساس آنومی	انزوای اجتماعی	کنترل اجتماعی	مشارکت عینی	مشارکت ذهنی
احساس امنیت اجتماعی	ضریب پیرسون	۱						
	سطح معناداری							
	تعداد	۳۳۷						
اعتماد به نهاد های تخصصی	ضریب پیرسون	۰/۵۰	۱					
	سطح معناداری	۰/۳۳						
	تعداد	۳۲۵	۳۶۴					
اعتماد بین فردی	ضریب پیرسون	۰/۰۳	۰/۰۹	۱				
	سطح معناداری	۰/۵۴	۰/۳۰					
	تعداد	۳۱۸	۳۴۵	۳۵۶				
همبستگی اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۰۹۹	۰/۲۶	۰/۱۵۶	-۰/۱۵۵	-۰/۰۷	۱	
	سطح معناداری	*۰/۰۴	***۰/۰۰۰	**۰/۰۰۲	**۰/۰۰۲	۰/۰۸		
	تعداد	۳۱۷	۳۳۹	۳۳۷	۳۳۷	۳۴۲	۳۵۰	
مشارکت عینی	ضریب پیرسون	۰/۰۹۱	۰/۰۲	۰/۰۰۹	-۰/۰۹	-۰/۱	۰/۰۷	۱
	سطح معناداری	*۰/۰۵	۰/۳۳	*۰/۰۵	*۰/۰۵	*۰/۰۲	۰/۰۷	
	تعداد	۳۱۶	۳۳۷	۳۳۴	۳۳۹	۳۴۶	۳۳۱	۳۵۳
مشارکت ذهنی	ضریب پیرسون	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۳۷	-۰/۰۱	۰/۱	۰/۱
	سطح معناداری	*۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۲	۰/۳۴	۰/۳	۰/۰۰۸	**۰/۰۰۳
	تعداد	۳۲۵	۳۵۱	۳۴۴	۳۴۶	۳۴۶	۳۴۵	۳۴۳
		***p<۰/۰۰۱	**p<۰/۰۱	*p<۰/۰۵				

در جدول بالا بیشترین ارتباط متغیر احساس امنیت با متغیر همبستگی اجتماعی و کمترین ارتباط آن با متغیر مشارکت ذهنی است. با توجه به مثبت بودن رابطه بین این سه متغیر و احساس امنیت اجتماعی می توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان آن ها بر میزان احساس امنیت اجتماعی نیز افزوده خواهد شد. نتایج همبستگی دو متغیره بصورت مجزا یعنی در سطح روستا و شهر، حاکی از آن است که در سطح روستا، احساس امنیت جانی با متغیرهای (اعتماد فردی، همبستگی اجتماعی)، احساس امنیت مالی با متغیرهای (مشارکت ذهنی و عینی) و احساس امنیت ناموسی با متغیر (مشارکت ذهنی) رابطه معناداری دارد. در سطح شهر نیز مشاهده نمودیم که احساس امنیت مالی با متغیرهای (اعتماد فردی، مشارکت عینی) دارای

رابطه ای معنادار هستند.

جدول (۳) نتایج آزمون t بر حسب جنسیت

متغیر (جنس)	فراوانی	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار T	سطح معنی داری
مرد	۲۰۵	۵۰/۶۸	۳/۶۱	۳/۵	۰/۰۰۱
زن	۱۳۲	۴۷/۰۶			

جدول بالا به بررسی تفاوت میانگین بین دو جنسی زن و مرد می پردازد. نتایج بدست آمده با فرض برابری واریانس ها نشان می دهد که بین این دو جنس به لحاظ میزان احساس امنیت تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج جدول نشان می دهد که زنان بیشتر از مردان می ترسند یا در واقع از احساس امنیت کمتری برخوردارند.

جدول (۴) نتایج آزمون دو متغیره بین متغیرهای زمینه ای و احساس امنیت اجتماعی بر حسب محل سکونت

محل سکونت	متغیر	پیرسون	معناداری
شهر	احساس امنیت اجتماعی در آمد	۰/۱۰	۰/۳۱
روستا	احساس امنیت اجتماعی در آمد	۰/۱۳۷	۰/۶
شهر	احساس امنیت اجتماعی سن	۰/۱۰۳	۰/۲۶
روستا	احساس امنیت اجتماعی سن	۰/۰۱۹	۰/۷۸

بر اساس جدول بالا بین میزان درآمد و سن و احساس امنیت اجتماعی در شهر و روستا رابطه وجود ندارد. چنان که جدول بالا نشان می دهد بین میزان درآمد و احساس امنیت اجتماعی چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری رابطه ای وجود ندارد. این در حالی است که بین میزان درآمد روستاییان و شهریان نیز تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

جدول (۵) نتایج آزمون دو متغیره بین تحصیلات و احساس امنیت اجتماعی بر حسب محل سکونت

محل سکونت	متغیر	اسپیرمن	معناداری
شهر	احساس امنیت اجتماعی تحصیلات	-۰/۰۵۵	۰/۵۴
روستا	احساس امنیت اجتماعی تحصیلات	۰/۵۹	۰/۳۹

جدول بالا ارتباط بین سطح تحصیلات پاسخگویان و احساس امنیت اجتماعی را با استفاده از آزمون اسپیرمن نشان می دهد. از آن جایی که تحصیلات را به صورت ترتیبی و احساس امنیت

اجتماعی را در سطحی فاصله ای تعریف کرده ایم، لذا از این آزمون استفاده نموده ایم. جدول بالا نشان می دهد که بین سطح تحصیلات پاسخگویان و احساس امنیت اجتماعی افراد رابطه ای وجود ندارد. منفی بودن علامت ضریب پیرسون بدین معناست که در شهر با بالا رفتن سطح تحصیلات، احساس امنیت اجتماعی کاهش پیدا می کند. اما در روستا با عکس این قضیه روبه رو هستیم، یعنی با افزایش سطح تحصیلات، از میزان احساس امنیت افراد روستایی کاسته می شود.

جدول (۶) نتایج آزمون t مستقل بین متغیرهای زمینه ای و متغیرهای اساسی تحقیق

محل سکونت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون t				
			آزمون همگنی واریانس ها	t	درجه آزادی	تفاوت معناداری دو دامنه	
شهر	مرد	احساس امنیت اجتماعی	با فرض برابری واریانس	۱/۴۰	۱۲۲	۲/۵۸	۰/۱۶
	زن		با فرض عدم برابری واریانس	۱/۴۶	۱۲۱	۲/۵۸	۰/۱۴
روستا	مرد	احساس امنیت اجتماعی	با فرض برابری واریانس	۱/۳۴	۲۱۰	۱/۶۲	۱/۸۲
	زن		با فرض عدم برابری واریانس	۱/۴۲	۱۸۰	۱/۶۲	۰/۱۵۷
شهر	مجرد	احساس امنیت اجتماعی	با فرض برابری واریانس	۰/۳۴۳	۱۲۱	۰/۶۳۶	۰/۷۳۲
	متاهل		با فرض عدم برابری واریانس	۰/۳۵۰	۱۱۵	۰/۶۳۶	۰/۷۲۷
روستا	مجرد	احساس امنیت اجتماعی	با فرض برابری واریانس	-۲/۱۵	۲۱۱	-۲/۴۷	۰/۰۳
	متاهل		با فرض عدم برابری واریانس	-۲/۱۲	۱۸۹	-۲/۴۷	۰/۰۳
شهر	مرد	اعتماد اجتماعی	با فرض برابری واریانس	-۰/۶۶	۱۳۱	-۱/۱	۰/۵
	زن		با فرض عدم برابری واریانس	-۰/۶۴	۱۰۹	-۱/۱	۰/۵
روستا	مرد	اعتماد اجتماعی	با فرض برابری واریانس	-۱/۱۴	۲۱۵	-۱/۱۱	۰/۲۶
	زن		با فرض عدم برابری واریانس	-۰/۹۸	۱۱۳	-۱/۱۱	۰/۳۲
شهر	مرد	مشارکت اجتماعی	با فرض برابری واریانس	۰/۸۶۷	۱۲۸	۱/۲۲	۰/۳۸۷
	زن		با فرض عدم برابری واریانس	۰/۸۶۷	۱۲۶	۱/۲۲	۰/۳۸۸
روستا	مرد	مشارکت اجتماعی	با فرض برابری واریانس	۳/۸۹	۲۱۱	۳/۰۸	۰/۰۰۰
	زن		با فرض عدم برابری واریانس	۳/۸۵	۱۷۴	۳/۰۸	۰/۰۰۰
شهر	مرد	همبستگی اجتماعی	با فرض برابری واریانس	۲/۱۲	۱۳۱	۱/۵۴	۰/۰۳۶
	زن		با فرض عدم برابری واریانس	۱/۱۰	۱۲۳	۱/۵۴	۰/۰۳۷
روستا	مرد	همبستگی اجتماعی	با فرض برابری واریانس	۰/۵۴	۲۱۵	۰/۳۶۷	۰/۵۸۶
	زن		با فرض عدم برابری واریانس	۰/۵۱۹	۱۴۴	۰/۳۶۷	۰/۶

در بخش های پیشین به بررسی تفاوت میانگین متغیرهای تحقیق بر حسب محل سکونت پرداختیم. در جدول بالا با استفاده از آزمون t به تفاوت معنادار بودن یا نبودن میانگین متغیرهای

اصلی تحقیق با جنسیت (مرد و زن) افراد در بخش های شهری و روستایی و وضعیت تاهل آن ها می پردازیم. چنان که جدول بالا نشان می دهد، بین میانگین احساس امنیت اجتماعی دو گروه زنان و مردان شهری و روستایی تفاوت معنی داری وجود ندارد، بدین معنا که بین جنسیت و احساس امنیت اجتماعی چه در شهر و چه در روستا رابطه معناداری وجود ندارد. میانگین اعتماد اجتماعی بین دو گروه زن و مرد چه در شهر و چه در روستا رابطه غیر معنی داری را نشان می دهد که بیانگر آن است که این متغیر با جنسیت رابطه ندارد. میانگین مشارکت اجتماعی دو گروه زن و مرد در شهر غیر معنی دار و در روستا معنی دار است، بدین معنا که مشارکت اجتماعی در شهر با جنسیت رابطه ندارد اما بین این دو متغیر در روستا رابطه برقرار است. همبستگی اجتماعی وضعیتی عکس مشارکت دارد، یعنی میانگین کنترل اجتماعی دو گروه زن و مرد در شهر معنی دار و در روستا غیر معنی دار است که بیانگر این است که رابطه بین جنسیت و همبستگی اجتماعی تنها در شهر برقرار است نه در روستا. اما در میان افراد مجرد و متاهل شهری تفاوت میانگین معنی داری به لحاظ احساس امنیت اجتماعی وجود ندارد، یعنی در شهر فرد چه متاهل باشد و چه مجرد، احساس امنیت او تفاوتی نخواهد داشت. اما این تفاوت میانگین در بین افراد مجرد و متاهل روستایی دیده می شود بدین معنا که با ازدواج افراد احساس امنیت اجتماعی آن ها نیز تفاوت پیدا خواهد کرد.

• رگرسیون چند متغیره در سطح روستا

جدول (۷) نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد (Beta)	t	sig	نتایج تحلیل واریانس (ANOVA)	ضریب تعیین R ²
				F	SIg
مقدار ثابت		۹/۴۵	۰/۰۰۰	۱/۴۱	۰/۲
اعتماد نهادی	۰/۰۹	۱/۱۸	۰/۲۳		
اعتماد فردی	-۰/۰۶۶	-۰/۸۲	۰/۴		
همبستگی	۰/۱۵۱	۱/۹۱	۰/۰۴		
مشارکت عینی	۰/۰۲۶	۰/۳۲	۰/۷۴		

			۰/۷۸	-۰/۲۷	-۰/۰۲۱	مشارکت ذهنی
--	--	--	------	-------	--------	----------------

جدول بالا نشان می دهد که نقش متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی تنها ۱۸ درصد است و ۸۲ درصد باقیمانده باید توسط متغیرهایی خارج از مدل این تحقیق تبیین گردد. از میان متغیرهای مستقل تحقیق تنها متغیر همبستگی اجتماعی دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی است و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنادار با متغیر وابسته هستند.

• رگرسیون چند متغیره در سطح شهر

جدول (۸) نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد رگرسیون (Beta)	t	sig	نتایج تحلیل واریانس (ANOVA)	ضریب تعیین R ^۲
				F	Sig
مقدار ثابت		۲/۹	۰/۰۰۵	۲/۰۲	۰/۱۶
اعتماد نهادی	۰/۲۷	۲/۴۲	۰/۰۱		
اعتماد فردی	۰/۱۸	۰/۱۵۸	۰/۳		
همبستگی	۰/۱۱	۱/۰۳	۰/۲۵		
مشارکت عینی	۰/۲۰	۱/۹۹	۰/۰۴		
مشارکت ذهنی	۰/۰۶	۰/۶۸	۰/۴۹		

جدول بالا نشان می دهد که نقش متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی ۱۶ درصد است و ۸۴ درصد باقیمانده باید توسط متغیرهایی خارج از مدل این تحقیق تبیین گردد. از میان متغیرهای مستقل تحقیق، متغیرهای مشارکت عینی و اعتماد نهادی دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی است و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنادار با متغیر وابسته هستند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

در این تحقیق بر آن بودیم تا به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در سطح روستاهای شهرستان سلسله و شهر الشتر پردازیم. احساس امنیت اجتماعی را برابر

با سه مولفه احساس امنیت مالی، جانی و ناموسی در نظر گرفتیم. از سوی سرمایه اجتماعی را نیز دارای پنج مولفه اعتماد نهادی و اعتماد بین فردی، مشارکت عینی، مشارکت ذهنی و همبستگی اجتماعی دانستیم. نتایج تحقیق نشان داد که در روستا میزان احساس امنیت مالی (۳/۸) یعنی بیشتر از حد متوسط، احساس امنیت جانی (۲/۹۴) یعنی کمتر از حد متوسط و احساس امنیت ناموسی (۳/۳۶) یعنی بیش از حد متوسط می باشد. در مجموع می توان گفت که میزان احساس امنیت اجتماعی در روستا با توجه به این سه بعد برابر با ۳/۱۰ یعنی تقریباً در حد متوسط ارزیابی می شود. از سوی دیگر، مشاهده می کنیم که احساس امنیت جانی در بین روستاییان کمتر از احساس امنیت مالی و ناموسی است. نتایج ارزیابی احساس امنیت شهری نیز نشان می دهد که در شهر میزان احساس امنیت مالی (۳/۶) یعنی بیشتر از حد متوسط، احساس امنیت جانی (۲/۲۲) یعنی کمتر از حد متوسط و احساس امنیت ناموسی (۳/۲۶) یعنی بیش از حد متوسط می باشد. می توان گفت که میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر نیز با توجه به این سه بعد برابر با ۳/۰۸ یعنی تقریباً در حد متوسط است. دیدیم که میزان اعتماد نهادی، اعتماد بین فردی، مشارکت ذهنی، مشارکت عینی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت ناموسی در بین روستاییان بیشتر از افراد شهری است. اما نتایج نشان می داد که میزان امنیت جانی در شهر نیز بیش از روستاست. از سوی دیگر معنی دار بودن میانگین های دو گروه نیز بررسی شد.

نتایج نشان داد که تفاوت میانگین های دو گروه شهر و روستا در مورد متغیرهایی همچون اعتماد نهادی، مشارکت عینی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت جانی و ناموسی معنادار بوده است و این تفاوت در باره متغیرهای اعتماد بین فردی، مشارکت ذهنی و احساس امنیت مالی معنادار نیست. نتایج همبستگی متغیرهای تحقیق حاکی از آن است که در سطح روستا، احساس امنیت جانی با متغیرهای (اعتماد فردی، همبستگی اجتماعی)، احساس امنیت مالی با متغیرهای (مشارکت ذهنی و عینی) و احساس امنیت ناموسی با متغیر (مشارکت ذهنی) رابطه معناداری دارند. این نتایج نشان می دهد که در روستا مشارکت اجتماعی نقش بسیار مهمی بر عهده دارد، چرا که هم با احساس امنیت مالی و هم با احساس امنیت ناموسی دارای رابطه ای معنادار است. طبق نظریه چلبی در واقع وجود مشارکت اجتماعی در پرتو ارتباط تعاملی و گرم، عاملی بسیار مهم در تامین احساس امنیت اجتماعی در جامعه است. در واقع می توان گفت که در روستا، افراد در یک نظم تعاملی یا ارتباطی با یکدیگر برای رسیدن به یک

«ما»ی مشترک قرار دارند که منجر به همفکری، مشارکت، همدلی، همبستگی در یک نظام اجتماعی می شود. در چنین نظامی افراد تعهد و تعلق به یکدیگر داشته و گسترش تعاملات اجتماعی موجب انسجام و وابستگی عاطفی می شود. افراد در چنین نظامی از پیوندهای قوی، دوستی و صمیمیت برخوردار بوده و بتدریج پل های ارتباطی در شبکه تعاملات جامعه گسترش یافته و معاشرت پذیری، روابط کلامی جانشین پرخاشگری و جامعه ستیزی می گردد.

آن گونه که دورکیم می گوید: هرچه همبستگی اجتماعی نیرومند تر باشد، این همبستگی عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به همدیگر خواهد بود و باعث تشدید تماس میان آن ها و بیشتر کردن فرصت های ارتباط شان به یکدیگر خواهد شد. دورکیم بر این باور است که اگر در جامعه ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می شوند. ولی اگر در جامعه ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم بسوی رفتار مجرمانه کشیده شوند. تحلیل رگرسیون انجام گرفته در سطح روستا نشان می دهد که از میان متغیرهای مستقل تحقیق تنها متغیر همبستگی اجتماعی دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی است و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنادار با متغیر وابسته هستند. تحلیل رگرسیون انجام گرفته در سطح شهر نشان می دهد که نقش متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی تنها ۱۶ درصد است و ۸۴ درصد باقیمانده باید توسط متغیرهایی خارج از مدل این تحقیق تبیین گردد. از میان متغیرهای مستقل تحقیق، متغیرهای مشارکت عینی و اعتماد نهادی دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی است و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنادار با متغیر وابسته هستند. در تحقیقی که توسط حمدالله نادری و دیگران با عنوان بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی پرداخته است، نتایج نشان می دهد که بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد و از بین مولفه های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی دارای بیشترین همبستگی با احساس امنیت اجتماعی است. نتایج کلی تحقیق صورت گرفته نشان می دهد که بین مشارکت، اعتماد و همبستگی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد که در واقع با نتایج تحقیق ما نیز مشابهت دارد. در فراتحلیلی که توسط محقق در باره احساس امنیت انجام شده است، نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی در ۸۳ درصد متون بررسی شده، دارای رابطه معناداری با احساس امنیت است. که در واقع هم خوانی بالایی با نتایج تحقیق

ما نیز دارد. در تحقیقی دیگری که توسط گروه علوم اجتماعی دانشگاه کرمان با نام بررسی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی صورت گرفته است، تایید می کند که بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت افراد رابطه وجود دارد و در واقع این گفته نشان از تایید پشتوانه نظری تحقیق ما دارد. پیشنهادات این تحقیق به صورت زیر است:

- پلیس به عنوان نهاد متولی امنیت ذهنی و عینی ضمن برقراری ارتباطی شفاف و مبتنی بر دوستی، طرح پلیس اجتماع محور را به اجرا در آورد و با توجه به سنتی بودن جامعه مورد بررسی از اهالی و افراد سرشناس جهت برقراری نظم در منطقه بکوشد. به نظر می رسد با توجه به بالا بودن همبستگی اجتماعی و رابطه معنادار این متغیر با احساس امنیت اجتماعی، یکی از متغیرهای قوی تامین کننده احساس امنیت در منطقه همین متغیر باشد. متغیر همبستگی اجتماعی در بطن جامعه و در بین مردم و ارتباطات بین آن ها نهفته است که وجود شرایط طایفه ای در منطقه تامین کننده این همبستگی است. همبستگی اجتماعی از مولفه های سرمایه اجتماعی بوده و سرمایه اجتماعی بیشتر ارتباطات بین افراد، تعاملات، مشارکت ها و هنجارهای اجتماعی و انسجام را مد نظر دارد. اما وجود همین سرمایه اجتماعی درون گروهی قوی در صورت وجود شرایط عکس، یعنی بالا گرفتن و تشنج سرمایه اجتماعی بین گروهی خود می تواند، عاملی مهم در تشدید تعارضات در منطقه باشد که در نهایت منجر به بالا رفتی میزان ناامنی افراد خواهد شد. از این رو پلیس با شناسایی منبع به آسانی می تواند از این سرمایه اجتماعی بهره برده و در حل معضلات اجتماعی منطقه و جلوگیری از بغرنج شدن امنیت منطقه از آن استفاده کند.

- پلیس باید با تعامل فراوان با افراد شهر و استفاده از منبع سرمایه اجتماعی ضمن بالا بردن اعتماد نهادی و برقراری رابطه با مردم، به بالا بردن احساس امنیت جانی و مالی منطقه کمک نماید.

- پیشنهاد می شود پلیس به عنوان نهاد متولی امنیت ذهنی و عینی ضمن برقراری ارتباطی شفاف و مبتنی بر دوستی، طرح پلیس اجتماع محور را به اجرا در آورد و با توجه به سنتی بودن جامعه مورد بررسی از اهالی و افراد سرشناس جهت برقراری نظم در منطقه بکوشد.

- پیشنهاد می شود سازمان های مختلف منطقه با سرمایه گذاری مفید در شهرستان پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد را با کمک دیگر نهادها و سازمان ها ارتقاء داده تا احساس امنیت بیشتری را از طریق ارتباط با مردم تولید نمایند.



• پیشنهاد می شود که نیروی انتظامی ایستگاه های بیشتری را در مناطق مهم دارای موارد سرقت بالا ایجاد نمایند. ایجاد امنیت عینی جنبه مهمی از احساس امنیت را در بر خواهد داشت.

- آموزش پلیس در خصوص استفاده از ظرفیت و پتانسیل اجتماع.
- پلیس باید پایداری و ثبات در کارها را برقرار نماید و با عملکرد مثبت خود مانع کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش جرائم منطقه گردد.
- پلیس باید رویکرد جامعه محوری را جهت کاهش تنش ها و حل مسائل در جامعه مدنی و شفاف سازی با آن را در پیش گیرد. در واقع پلیس می بایست به تعهدات خود عمل کرده و اعتماد به خود از طریق مشارکت، روابط سالم و صحیح، حمایت از افراد بی گناه، برخورد با افراد شرور و ... بالا ببرد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۶۴)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی.
- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن در شهر تهران، فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره اول.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، مریم وتر، تهران، نشر کویر.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولتها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸)، احساس امنیت اجتماعی، نشر امیر کبیر، چاپ اول.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۵)، جامعه برخوردار سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، تهران: نشر شیرازه، صص ۹۱-۱۱۲.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز، حسن پویان، تهران: نشر شیرازه، صص ۲۵-۴۰.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی.
- دلاور، علی (۱۳۸۰)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، اعتماد یک یک نظریه جامعه‌شناختی، فاطمه گلابی، تبریز: نشر پاییز.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۴)، مقدمه ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: موسسه انتشارات آوای نور، چاپ پانزدهم.
- عبد اللهی، محمد، موسوی، میر طاهر (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دور نمای آینده و امکان شناسی گذار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۱۹۵-۲۳۴.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، «سنجش سرمایه اجتماعی»، مجموعه مقالات سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۸۲-۶۱.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، مترجم غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- فیلد، جان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، جلال متقی، تهران: موسسه عالی آموزش و تامین اجتماعی.
- قانع‌راد، محمد امین؛ حسینی، فریده (۱۳۸۴)، ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیر دولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳، صص ۹۷-۱۲۳.
- کمالی، افسانه (۱۳۸۳)، مطالعه تطبیقی اعتماد در دو حوزه فرهنگ و سیاست، فصلنامه رفاه اجتماعی.



- کلمن، جیمز (۱۳۸۵)، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، تهران: نشر شیرازه، صص ۴۱-۹۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، تجدد و تخصص، تهران، نشرنی، چاپ چهارم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، پیامدهای مدرنیت، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۴)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بوردیو، پییر (۱۳۸۵)، شکل های سرمایه، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، تهران: نشر شیرازه، صص ۱۳۱-۱۶۶.
- Aldridge, S, & Halpern, d With Fitzpatrick, S, (2006) Social capital: A Discussion paper, This paper was prepared originally as background for a seminar on social capital held by the performance and Innovation Unit on the 26 March 2002.
- Bourdieu. P. (1985), the forms of capital, in Richardson, Hand book of theory and research for sociology of education., Greenwood press, Westport, CT.
- Paxston, Pamela (2002) "social capital and Democracy: an Interdependent Relationship, American sociological review, Vol. 67, pp 254-277.
- Putnam, R. (1993); "The prosperous community: Social capital and Public life" The American Prospect, 4, 13, pp 11-18.
- Winter, in. (2000), towards a theorized understanding of family life and social capital. www.aif.org.au.

